

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۳

آیه ۴۵

آیه و ترجمه

۴۵ اتل ما اوحی الیک من الکتاب و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر و الله یعلم ما تصنعون  
ترجمه :

۴۵ - آنچه را از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتیها و منکرات باز می دارد و خداوند می داند شما چه کارهائی انجام می دهید.

تفسیر :

نماز باز دارنده از زشتیها و بدیها

بعد از پایان بخشهای مختلفی از سرگذشت اقوام پیشین و پیامبران بزرگ و برخورد نامطلوب آنها با این رهبران الهی، و پایان غم انگیز زندگی آنها، روی سخن را - برای دلداری و تسلی خاطر و تقویت روحیه و ارائه خط مشی کلی و جامع - به پیامبر کرده دو دستور به او می دهد:

نخست می گوید «آنچه را از کتاب آسمانی (قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن» (اتل ما اوحی الیک من الکتاب).

این آیات را بخوان که هر چه می خواهی در آن است: علم و حکمت، نصیحت و اندرز، معیار شناخت حق و باطل، وسیله نورانیت قلب و جان، و مسیر حرکت هر گروه و هر جمعیت.

بخوان و در زندگیت به کار بند، بخوان و از آن الهام بگیر، بخوان و قلبت

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۴

را به نور تلاوتش روشن کن.

بعد از بیان این دستور که در حقیقت جنبه آموزش دارد، به دستور دوم می پردازد که شاخه اصلی پرورش است، می گوید: «و نماز را بر پا دار» (واقم الصلوة).

سپس به فلسفه بزرگ نماز پرداخته می گوید: «زیرا نماز انسان را از

زشتیها و منکرات باز می‌دارد» (ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر). طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدء و معاد می‌اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکرات است.

انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌شمرد، به یاد نعمتهای او می‌افتد، حمد و سپاس او می‌گوید، او را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستاید، به یاد روز جزای او می‌افتد، اعتراف به بندگی او می‌کند، از او یاری می‌جوید صراط مستقیم از او می‌طلبید، و از راه کسانانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد (مضمون سوره حمد).

بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود.

برای خدا «رکوع» می‌کند، و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود و خودخواهیها و خود برتربینیها را فراموش می‌کند. شهادت به یگانگی او می‌دهد گواهی به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌دهد.

بر پیامبرش درود می‌فرستد و دست به درگاه خدای برمی‌دارد که در زمره

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۵

بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام). همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند، موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود. این عمل چند بار در شبانه روز تکرار می‌گردد، هنگامی که صبح از خواب برمی‌خیزد در یاد او غرق می‌شود. در وسط روز هنگامی که غرق زندگی مادی شده ناگهان صدای تکبیر مؤذن را می‌شنود، برنامه خود را قطع کرده، به درگاه او می‌شتابد، و حتی در پایان روز و آغاز شب پیش از آنکه به بستر استراحت رود با او راز و نیاز می‌کند و دل را مرکز انوار او می‌سازد.

از این گذشته به هنگامی که آماده مقدمات نماز می‌شود خود را شستشو می‌دهد پاک می‌کند، حرام و غضب را از خود دور می‌سازد و به بارگاه دوست می‌رود همه این امور تاءثیر بازدارنده در برابر خط فحشاء و

منکرات دارد.

منتها هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است نهی از فحشاء و منکر می کند، گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود.

ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچگونه اثری در او نبخشد هر چند نمازش صوری باشد هر چند آلوده گناه باشد، البته این گونه نماز تاءثیرش کم است، این گونه افراد اگر همان نماز را نمی خواندند از این هم آلوده تر بودند. روشنتر بگوئیم: نهی از فحشاء و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط دارای بعضی از این درجات است.

از آنچه در بالا گفتیم روشن می شود سرگردانی جمعی از مفسران در تفسیر این آیه و انتخاب تفسیرهای نامناسب بی جهت است، شاید آنها به همین دلیل که دیده اند بعضی نماز می خوانند و مرتکب گناه می شوند و آیه را در معنی مطلقش بدون سلسله مراتب دیده اند گرفتار شک و تردید شده اند، و راه های دیگری را در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۶

تفسیر آیه برگزیده اند.

از جمله بعضی گفته اند: نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می دارد مادام که مشغول نماز است!!

چه حرف عجیبی؟ این مزیتی برای نماز نیست، بسیاری از اعمال چنین است. بعضی دیگر گفته اند اعمال و اذکار نماز به منزله جمله هائی است که هر یک انسان را از فحشاء و منکر نهی می کند، مثلاً تکبیر و تسبیح و تهلیل هر کدام به انسان می گوید گناه مکن، حال انسان گوش به این نهی می دهد یا نه؟ مطلب دیگری است.

اما آنها که آیه فوق را چنین تفسیر کرده اند از این حقیقت غافل شده اند که نهی در اینجا فقط «(نهی تشریعی)» نیست، بلکه «(نهی تکوینی)» است، ظاهر آیه این است که نماز اثر بازدارنده دارد و تفسیر اصلی همان است که در بالا گفتیم، البته مانعی دارد که بگوئیم نماز هم نهی تکوینی از فحشاء و منکر می کند و هم نهی تشریعی.

به چند حدیث توجه کنید:

۱- در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

چنین می خوانیم که فرمود: من لم تنهه صلاته عن الفحشاء و المنکر لم یزد من الله الا بعدا: «کسی که نمازش او را از فحشاء و منکر باز ندارد هیچ بهره ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده است»!.

۲- در حدیث دیگری از همان حضرت چنین آمده: لا صلوة لمن لم یطع الصلوة، و طاعة الصلوة ان ینتهی عن الفحشاء و المنکر: «کسی که اطاعت فرمان نماز نکند نمازش نماز نیست، و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از فحشاء و منکر به کار بندد».

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۷

۳- و در حدیث سومی از همان بزرگوار چنین می خوانیم: که جوانی از انصار نماز را با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ادا می کرد اما با این حال آلوده گناهان زشتی بود این ماجرا را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشتند فرمود: ان صلاته تنهاه یوما: «سرانجام نمازش روزی او را از این اعمال پاک می کند».

۴- این اثر نماز بقدری اهمیت دارد که در بعضی از روایات اسلامی به عنوان معیار سنجش نماز مقبول و غیر مقبول از آن یاد شده، چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرماید: من احب ان یعلم اقبلت صلوته ام لم تقبل؟ فلینظر: هل منعت صلوته عن الفحشاء و المنکر؟ فبقدر ما منعته قبلت منه! «کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه؟ باید ببیند آیا این نماز او را از زشتیها و منکرات باز داشته یا نه؟ به همان مقدار که باز داشته نمازش قبول است»!.

در دنباله آیه اضافه می فرماید «ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است» (ولذکر الله اکبر).

ظاهر جمله فوق این است که بیان فلسفه مهمتری برای نماز می باشد، یعنی یکی دیگر از آثار و برکات مهم نماز که حتی از نهی از فحشاء و منکر نیز مهمتر است آنست که انسان را به یاد خدا می اندازد که ریشه و مایه اصلی هر خیر و سعادت است، و حتی عامل اصلی نهی از فحشاء و منکر نیز همین «ذکر الله» می باشد، در واقع برتری آن به خاطر آنست که علت و ریشه محسوب می شود.

اصولا یاد خدا، مایه حیات قلوب و آرامش دلها است، و هیچ چیز به پایه آن نمی رسد: الا بذکر الله تطمئن القلوب: «آگاه باشید یاد خدا مایه

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۸

اصولا روح همه عبادات - چه نماز و چه غیر آن - ذکر خدا است، اقوال نماز، افعال نماز، مقدمات نماز، تعقیبات نماز، همه و همه در واقع، یاد خدا را در دل انسان زنده می کند.

قابل توجه اینکه در آیه ۱۴ سوره طه اشاره به این فلسفه اساسی نماز شده و خطاب به موسی می گوید: اقم الصلوة لذکری: «نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی».

ولی مفسران بزرگ برای جمله بالا تفسیرهای دیگری ذکر کرده اند که در بعضی از روایات اسلامی نیز اشاراتی به آن تفسیرها شده، از جمله اینکه: منظور از جمله فوق این است که «یاد خدا از شما به وسیله رحمت» برتر از «یاد شما از او بوسیله طاعت» است.

دیگر اینکه ذکر خدا از نماز برتر و بالاتر است چرا که روح هر عبادتی ذکر خدا است.

این تفسیرها که بعضا در روایات اسلامی نیز آمده، ممکن است اشاره به بطون آیه بوده باشد، و گرنه ظاهر آن با معنی اول هماهنگتر است، زیرا در اکثر مواردی که ذکر الله به کار رفته، منظور یاد کردن مردم از خدا است، و آیه فوق نیز همین معنی را تداعی می کند، ولی البته یاد کردن خدا از بندگان می تواند به عنوان یک نتیجه مستقیم برای یاد بندگان از خدا بوده باشد، و به این ترتیب تضاد میان دو معنی برطرف می شود.

در حدیثی از «معاذ بن جبل» چنین آمده است: «هیچ یک از اعمال آدمی برای نجات او از عذاب الهی برتر از ذکر الله نیست، از او پرسیدند حتی جهاد در راه خدا؟ گفت: آری زیرا خداوند می فرماید: و لذكر الله اکبر».

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۸۹

ظاهر این است که معاذ بن جبل این سخن را از کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) استفاده کرده زیرا خود او نقل می کند که از پیامبر خدا پرسیدم: کدام عمل از همه اعمال برتر است فرمود: ان تموت و لسانک رطب من ذکر الله عز و جل: «اینکه به هنگام مردن زبان تو به ذکر خداوند بزرگ مشغول باشد».

و از آنجا که نیت انسانها و میزان حضور قلب آنها در نماز و سائر عبادات بسیار متفاوت است در پایان آیه می‌فرماید: «و خدا می‌داند چه کارهائی را انجام می‌دهید» (و الله يعلم ما تصنعون).  
چه اعمالی را که در پنهان انجام می‌دهید یا آشکار، چه نیاتی را که در دل دارید، و چه سخنانی که بر زبان جاری می‌کنید.

**نکته :**

### تاثیر نماز در تربیت فرد و جامعه

گرچه نماز چیزی نیست که فلسفه‌اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت درمتون آیات و روایات اسلامی ما را به ریزه کاریهای بیشتری در این زمینه رهنمون می‌گردد:

۱ - روح و اساس و هدف و پایه و مقدمه و نتیجه و بالاخره فلسفه نماز همان یاد خدا است، همان «ذکر الله» است که در آیه فوق بعنوان برترین نتیجه بیان شده است.

البته ذکرى که مقدمه فکر، و فکری که انگیزه عمل بوده باشد، چنانکه در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که در تفسیر جمله و لذكر الله اکبر فرمود: ذکر الله عند ما احل و حرم «یاد خدا کردن به هنگام انجام حلال و حرام» (یعنی به یاد خدا بیفتد به سراغ حلال برود و از حرام چشم پيوشد).

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۹۰

۲ - نماز وسیله شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چرا که خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می‌کند، لذا در حدیثی می‌خوانیم: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از یاران خود سؤال کرد: لو کان علی باب دار احدکم نهر و اغتسل فی کل یوم منه خمس مرات اکان یسقی فی جسده من الدرن شیء؟ قلت لا، قال: فان مثل الصلوة کمثل النهر جاری كلما صلی کفرت ما بینهما من الذنوب: «اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می‌ماند؟».

در پاسخ عرض کردند: نه، فرمود: «نماز درست همانند این آب جاری است، هر زمان که انسان نمازی می‌خواند گناهی که در میان دو نماز انجام شده است از میان می‌رود».

و به این ترتیب جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با

مرهم نماز التیام می یابد و زنگارهایی که بر قلب می نشینند زدوده می شود.

۳ - نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می کند، و نهال تقوی را در دل پرورش می دهد، و می دانیم ایمان و تقوی نیرومندترین سد در برابر گناه است، و این همان چیزی است که در آیه فوق به عنوان نهی از فحشاء و منکر بیان شده است، و همان است که در احادیث متعددی می خوانیم: افراد گناهکاری بودند که شرح حال آنها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند فرمودند: غم مخورید، نماز آنها را اصلاح می کند و کرد.

۴ - نماز، غفلت زدا است، بزرگترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی ولذائد

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۹۱

زود گذر کردند، اما نماز به حکم اینکه در فواصل مختلف، و در هر شبانه روز پنج بار انجام می شود، مرتباً به انسان اخطار می کند، هشدار می دهد، هدف آفرینش او را خاطرنشان می سازد، موقعیت او را در جهان به او گوشزد می کند و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه قویا به او بیدار باش گوید.

۵ - نماز خود بینی و کبر را در هم می شکند، چرا که انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد، خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می بیند، بلکه صفری در برابری نهایت.

پرده های غرور و خود خواهی را کنار می زند، تکبر و برتری جوئی را در هم می کوبد.

به همین دلیل علی (علیه السلام) در آن حدیث معروفی که فلسفه های عبادات اسلامی در آن منعکس شده است بعد از ایمان، نخستین عبادت را که نماز است با همین هدف تبیین می کند می فرماید: فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك و الصلوة تنزيها عن الكبر...: «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسانها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر».

۶ - نماز وسیله پرورش، فضائل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می برد، به ملکوت آسمانها دعوت می کند، و با فرشتگان همصدا و همراز می سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می بیند و با او به گفتگو برمی خیزد.

تکرار این عمل در شبانه روز آنهم با تکیه روی صفات خدا، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او مخصوصاً با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت کننده به سوی نیکیها و پاکیها است اثر قابل ملاحظه‌ای

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۹۲

در پرورش فضائل اخلاقی در وجود انسان دارد.

لذا در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم که در فلسفه نماز فرمود: الصلوة قربان کلی تقی: «نماز وسیله تقرب هر پرهیزکاری به خدا است».

۷ - نماز به سائر اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد - چرا که نماز روح اخلاص را زنده می‌کند، زیرا نماز مجموعه‌ای است از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموع در شبانه روز بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می‌پاشد و روح اخلاص را تقویت می‌کند.

لذا در حدیث معروفی می‌خوانیم که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در وصایای خود بعد از آن که فرق مبارکش با شمشیر ابن ملجم جنایتکار شکافته شد فرمود: الله الله فی الصلوة فانها عمود دینکم: «خدا را خدا را در باره نماز، چرا که ستون دین شما است».

می‌دانیم هنگامی که عمود خیمه در هم بشکند یا سقوط کند هر قدر طنابها و میخهای اطراف محکم باشد اثری ندارد، همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود اعمال دیگر اثر خود را از دست خواهد داد.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: اول ما یحاسب به العبد الصلوة فان قبلت قبل سائر عمله، و ان ردت رد علیه سائر عمله: «نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است اگر مقبول افتاد سائر اعمالشان قبول می‌شود، و اگر مردود شد سائر اعمال نیز مردود می‌شود»!

شاید دلیل این سخن آن باشد که نماز رمز ارتباط خلق و خالق است، اگر به طور صحیح انجام گردد قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سائر اعمال است در او زنده می‌شود، و گرنه بقیه اعمال او مشوب و آلوده می‌گردد و از درجه اعتبار

---



ساقط می شود.

۸ - نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرائط صحت دعوت به پاکسازی زندگی می کند، چرا که می دانیم مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، فرشی که بر آن نماز می خواند، آبی که با آن وضو می گیرد و غسل می کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می شود باید از هر گونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غصب، کمفروشی، رشوه خواری و کسب اموال حرام باشد چگونه می تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران.

۹ - نماز علاوه بر شرائط صحت شرائط قبول، یا به تعبیر دیگر شرائط کمال دارد که رعایت آنها نیز یک عامل مؤثر دیگر برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیث، امور زیادی به عنوان موانع قبول نماز ذکر شده است از جمله مسأله شرب خمر است که در روایات آمده: لا تقبل صلوٰة شارب الخمر اربعین یوما الا ان یتوب: «نماز شرابخوار تا چهل روز مقبول نخواهد شد مگر اینکه توبه کند».

و در روایات متعددی می خوانیم: «از جمله کسانی که نماز آنها قبول نخواهد شد پیشوای ستمگر است».

و در بعضی از روایات دیگر تصریح شده است که نماز کسی که زکات نمی پردازد قبول نخواهد شد، و همچنین روایات دیگری که می گوید: خوردن غذای حرام یا عجب و خود بینی از موانع قبول نماز است، پیدا است که فراهم کردن این شرایط قبولی تا چه حد سازنده است؟

۱۰ - نماز روح انضباط را در انسان تقویت می کند، چرا که دقیقا باید در اوقات معینی انجام گیرد که تاخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز، است همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می سازد.

همه اینها فوایدی است که در نماز، قطع نظر از مسأله جماعت وجود دارد

و اگر ویژگی جماعت را بر آن بی فزائیم - که روح نماز همان جماعت است -  
برکات بی شمار دیگری دارد که اینجا جای شرح آن نیست، بعلاوه کم و بیش  
همه از آن آگاهیم.

گفتار خود را در زمینه فلسفه و اسرار نماز با حدیث جامعی که از امام علی بن  
موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده پایان می دهیم: امام در پاسخ نامه ای که  
از فلسفه نماز در آن سؤال شده بود چنین فرمود: علت تشریع نماز این است که  
توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار است، و مبارزه با شرک و بت پرستی، و قیام  
در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و نهایت تواضع، و اعتراف به گناهان و  
تقاضای بخشش از معاصی گذشته، و نهادن پیشانی بر زمین همه روز برای  
تعظیم پروردگار.

و نیز هدف این است که انسان همواره هشیار و متذکر باشد، گرد و  
غبار فراموشکاری بر دل او ننشیند، مست و مغرور نشود، خاشع و خاضع  
باشد، طالب و علاقمند افزونی در مواهب دین و دنیا گردد.

علاوه بر اینکه مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز  
حاصل می گردد، سبب می شود که انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش  
نکند، روح سرکشی و طغیانگری بر او غلبه ننماید.

و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او، انسان را از معاصی باز می دارد و از  
انواع فساد جلوگیری می کند.

